THE BOOK WAS DRENCHED



انتشارات دانشگاه تهران

۲۹۶

یادبود هفتصدمین سال خواجه نصیر طوسی

سه گفتار خواجهٔ طوسی

دربارهٔ چگونگی پدید آمدن

چند چیز از یکی

و سازش آن با قاعدهٔ
«آفریده نشدن بسیار از یکی»

یا

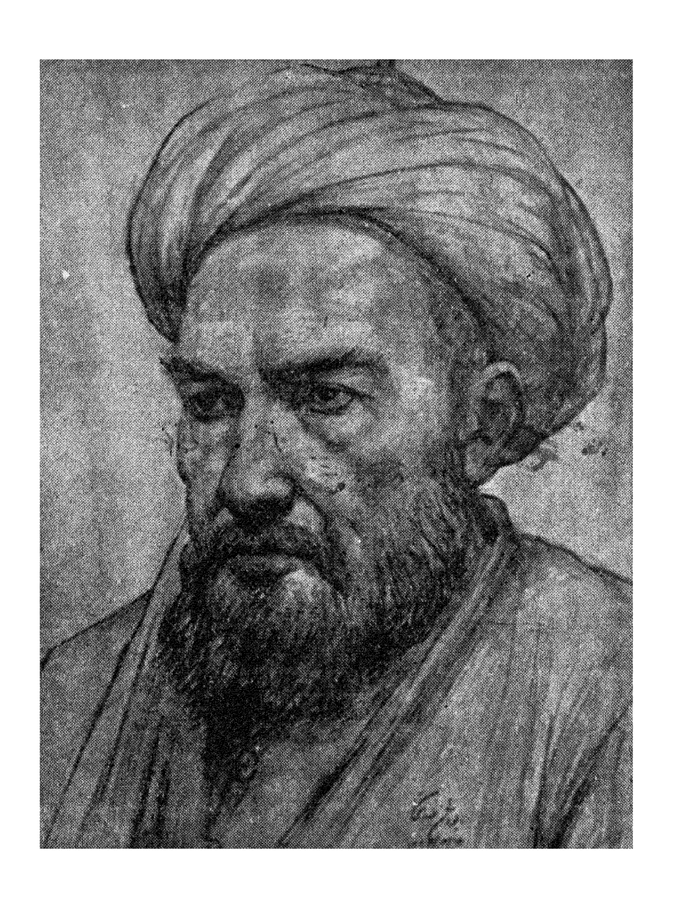
«الواحد لا یصدر عنه الا الواحد»

«Ex uno non fit nisi unum»

بکوشش

محمد تقی دانش‌پژوه

خرداد ۱۳۳۵



تصویر خواجه نصیرطوسی
(کار استاد هنرمند آقای ابوالحسن صدیقی)



یادبود هفتصدمین سال خواجه نصیر طوسی

سه گفتار خواجهٔ طوسی

دربارهٔ چگونگی پدید آمدن

چند چیز از یکی

و سازش آن با قاعدهٔ

« آفریده نشدن بسیار از یکی »

یا

«الواحد لا یصدر عنه الا الواحد»

«Ex uno non fit nisi unum»

بکوشش

محمد تقی دانش‌پژوه

خرداد ۱۳۳۵

چاپخانهٔ دانشگاه

فهرست مطلب ها

دمکریتس (ذی‌مقراطیس) میگوید که «یکی نشاید از دو پیدا شود چنانکه از یکی دو پدید نگردد»[1] .

ارسطواین سخن را ازاو دانسته وبازهم گفته استکه«بهست یگانه جز هستی و یگانگی نپیوندد»[2] .

او و ابن رشد باز آشکارا از قاعدۀ «آفریده نشدن بسیار از یکی» یاد کرده‌اند[3] .

فیلسوفان‌الئائی‌مانند زنون (Zenon) وشکاکان مانندانسیدموس Aenesidemus نیز چنین سخنی داشته‌اند .

پلوتینوس یا افلوطینوس شیخ یونانی در انئاد یا تاسوعات (V.3.15,16) در این زمینه بخوبی کاوش نموده و در آغاز بند ۱۵ بخش ۳ تاسوع ۵ چنین گفت که «چگونه میشود که یک چیز ساده چند چیز بیافریند» [4] در میمردهم ثئولوجیا که بنام اثولوجیا خوانده میشود وگزیده‌ایست‌از انئاد وبدروغ از ارسطو پنداشته‌اند نیز از این قاعده یاد شده و در آغازآن دارد « کیف یمکن ان‌یکون الاشیاء من الواحدالمبسوط الذی لیس فیه ثنویة و لا کثرة بجهةمن‌الجهات» [5]

۱ــ ارسطو در الهی B13.1039a9این سخن را از اوآورده است (ماوراءالطبیعه ابن رشد چاپ بوئیژ ص ۹۷۰ که دارد : لایمکن ان یکون واحد من اثنین اواثنان من‌واحد ــ ترجمۀ فرانسوی تریکوازالهی ۱:۲۹٤)

۲ ــ الهی Z.4.1001a27 (تریکو ۱:۹۸ــابن‌رشد ص۲٦۲ که‌دراین دوجا او ماناسخن ارسطو را درست درنیافته‌است) .

۳ــ الهی 1069b30 .2 .Λ (تریکو ۲: ۱٥٦ــ ابن رشدص ۱۱٤۱ ــ۱۱٤۸) .

٤ــ ترجمۀ فرانسوی برهیه ٥:٦۹ــ۷۲

٥ــ ص۲۹۳چاپ تهران درهامش قبسات. نیزفهرست‌دانشگاه۳:۲۱٦

این قاعده برای نوپلاتونیان درزمینهٔ مسئلهٔ آفرینش Emanation مایهٔ دشواری و اشکال شده بود و آنها ناگزیر شدند که در این مسئله به ترتب در تکثر (Gradual pluralization) بگرایند[۱] . پس این قاعده که بنوشتهٔ ابن‌رشد، فارابی‌و ابن‌سینا و فیلسوفان متأخر ازآن جانبداری کرده‌اند و برخی هم آنرا بدیهی پنداشته‌اند، با آفرینش اینهمه آفریدگان از خداوند سازگار نمی‌نماید، و ناگزیر باید ترتبی در رشتهٔ معلولات پنداشت و تصویر این ترتب هم چندان آسان و دور از خرده‌گیری نیست[۲] غزالی وامام رازی از کسانی هستند که در تباه‌نمودن این قاعده بسیار کوشیده‌اند. این بود که خواجهٔ طوسی باین قاعده بسیار ارج مینهاده و همواره درجستجوی راه‌حلی برای آن بود تا بتواند بخرده‌ها که از آن گرفته‌اند و خود هم در تجرید و قواعدالعقائد و فصول بپاره‌ای از آنها اشاره نموده است پاسخ گوید. دراین زمینه او از اثیرالدین ابهری پرسیده است بدینگونه:

«اگر سبب صدور معلولات متکثرهٔ غیرمترتبه درسلسلهٔ ایجاد ازعلت اولی، وجود کثرتی که معلول اول را لازم است باشد، مانند وجود، وامکان، و تعقل خود، ومبدأ خود، چنانکه محصلان و متاخران نقر بر داده‌اند ، سخن

۱- بنگرید به : ترجمهٔ انگلیسی تهافت‌التهافت ابن‌رشد از Simon Van Den Bergh چاپ ۱۹۵٤ لندن ۲ : ٦۳و۷۱

۲- برای این قاعده گذشته از شفا و اشارات و تعلیقات و نجات و دانشنامه و تحصیل بهمنیار و بیان‌الحق لوکری بنگرید به : تهافت غزالی و تهافت‌التهافت ابن‌رشد (مسئلهٔ سوم) - معتبر بغدادی۳:۱٤۸تا۱٦۸- مباحث مشرقیه۱:٤٦۰و۲:۱۰۵،ودر ۱:٤٦٦ استکه با ابن‌سینا در این باره میتازد - ملخص رازی و نقد طوسی ص۱۰۵و۱٤۵ که ازخرده گیریهای رازی دراینجا پاسخ گفته و از فیلسوفان جانبداری نموده است - قبسات داماد در قبس نهم ص۲۲۸ که سخنان فیلسوفان در آن آمده است - اسفار شیرازی موقف نهم فن یکم مجلد سوم و کتابهای دیگر او .

در کیفیت لزوم آن کثرت، در معلول اول، نه بر طریق ترتب (است). با تجویز صدور کثرت از واحد بسیط دفعة، یا اثبات مبدأ دگر غیر علت اولی، وعدم احتیاج غیر علت اولی بعلت اولی در وجود، لازم آید. و بر طریق ترتب، لازم آید که معلول اول معلول اول نبود. و اگر بعضی از آن امور، عدمی فرض کنند، لازم آید که عدمیات مبادی اولی موجودات بوده باشند. پس سد باب اثبات وجود علت اولی لازم آید. اگر از آنجا که کرم فیاض است بعضی ازآن مضایق اسارت رود ازآن کمال فضل بدیع نباشد» (ش ۸۷۱ گ ۱۵۹ ب و ش ۱۰۳۵ ص ۱۰٤ دانشگاه؛ ص ۳۸۱ جلد ۳ فهرست دانشگاه ازنگارنده) گرچه ابهری گویا بدین برسش پاسخی ندادهاست.

طوسی از شمس‌الدین خسروشاهی هم در همین زمینه پرسیده است بدینگونه :

«ان کان سبب صدور الکثیر عن العلة الواحدة الاولی، کثرة فی ذات المعلول الاول کالوجوب، و الامکان، و التعقل، علی ما قیل؛ فمن این جائت الکثرة؟ ان صدرت عن العلة الاولی؛ فلا یخلوا امان صدرت معا، او علی ترتیب. فان صدت معا؛ لم یکن سبب صدور الکثرة عن العلة الاولی، کثرة فی ذات المعلول الاول؛ و ان صدرت علی ترتیب؛ لم یکن المعلول الاول معلولا اولا؛ و ان لم یصدر عن العلة الاولی؛ فمن الجائز ان یحصل کثرة من غیر استناد الی العلة الاولی؛ و کلها محال. فما وجه التفصی عن هذه المضائق» (نسخهٔ خطی دانشگاه ش ۱۰۳۰/۹ ـ هامش شرح هدایهٔ صدرای شیرازی ص ۳۸۵ ـ هامش مبدء و معاد صدرای شیرازی ص ۳۷۵).

خسروشاهی مانا بدو پاسخ نداد و درسدهٔ ۱۱ صدرای شیرازی وسیداحمد عاملی درپاسخ او بروش فلسفی سخنانی گفته‌اند (ش ۱۰۳۰/۹ و ۱۰۷۹/۲۹ دانشگاه ص ۱۷۹ و ۱۸۹ فهرست نگارنده)

یکی از پرسشها که صدرالدین قونوی از خواجهٔ طوسی کرده است هم همین مسئله است که چهارمین آنها است و او بروشی فلسفی با استدلال کیفی منطقی بدو پاسخ گفته است (ش ۴۶۸۱ ملک که جنگی است دارای رسالهٔ منطق افضل الدین کاشی و رساله های طوسی و دیگران - ش ۱۰۲۲/۹ دانشگاه ص ۱۸۷ فهرست).

طوسی در نمط ششم شرح اشارات نگارش صفر ۶۴۴ از همین مسئله کاوش نموده ودشواری آنرا از راه ریاضی و فلسفی برداشته است[۱] گذشته از اینها سه گفتار دیگر بهمین روش ریاضی از او در دست هست. نخست همانکه درنسخهٔ ش ۴۴۸۱ کتابخانهٔ ملک گ ۴۳ میبینیم بدینگونه:

«ایضا فائدة اخری له، ره! فی کیفیة صدور الکثرة عن المبدأ الواحد، مع القول: بان الواحد لا یصدر عنه الا الواحد: المبدأ الاول الواحد و هو ا. المعلول الاول الصادر من ا و هو ب. معلول ا مع ب و هو ج.

۱- چنین است گفتار او در شرح اشارات:

«اذا فرضنا مبدء اول ولیکن ا؛ وصدر عنه شئی واحد ولیکن ب؛ فهو فی اولی مراتب معلولاته. ثم من الجائز ان یصدر عن ا بتوسط ب شئی ولیکن ج؛ و عن ب وحده شئی و لیکن د؛ فیصیر فی ثانیة المراتب شیئان لا تقدم لاحد هما علی الآخر. و ان جوزنا ان یصدر عن ب بالنظر الی ا شئی آخر؛ صار فی ثانیة المراتب ثلثة اشیاء. ثم من الجائز ان یصدر عن ا بتوسط ج وحده شئی، و بتوسط د وحده ثان، و بتوسط ج د معا ثالث، و بتوسط ب ج رابع، و بتوسط ب د معا خامس، و بتوسط ب ج د سادس؛ و عن ب بتوسط ج سابع، وبتوسط د ثامن، و بتوسط ج د معا تاسع؛ و عن ج وحده عاشر؛ و عن د وحده حادی عشر؛ و عن ج د معا ثانی عشر؛ و یکون هذا کلها فی ثالثة المراتب. ولو جوزنا ان یصدر عن السافل بالنظر الی مافوقه شئی، و اعتبرنا الترتیب فی المتوسطات التی تکون فوق واحدة؛ صار مافی هذه المرتبة اضعافا مضاعفة. ثم اذا جاوزنا هذه المراتب؛ جاز وجود کثرة لا یحصی عددها فی مرتبة واحدة الی مالانهایة له. فهکذا یمکن ان یصدر اشیاء کثیرة فی مرتبة واحدة عن مبدء واحد.»

معلول ب و حده و هو د. ففی المرتبة الاولی من المعلولات واحد، و فی المرتبة الثانیة منها اثنان، و فی المرتبة الثالثة اثنی عشر: معلول ج وحده وهو ه. معلول د وحده وهو و. معلول ج مع د و هو ز. معلول ب ج معاوهو ح. معلول ب د معاوهو ط. معلول ب ج د و هو ی. معلول ا ج معاوهو یا. معلول ا د معاوهو یب. معلول ا ج د معا و هو یج. معلول ا ب ج معا و هو ید معلول ا ب د معا و هو یه. معلول ا ب ج د معا و هو یو. و اذاازدادت المراتب زاد عدد المعلولات التی تکون فی مرتبة واحدة الی مالا یتناهی. و ذلک ما اردناه».

دوم پاسخی استکه طوسی در همین زمینه بپرسش قاضی هرات گویا همان قاضی فخر الدین محمدبن عبدالله بیاری قاضی هرات داده است (سر گذشت طوسی از آقای مدرس رضوی ص٢٦٢).

هاتان مسئلتان احدیهما عن کیفیة صدور الموجودات عن مبداها الاول الواحد تعالی و ثانیهما عن کیفیة علمه بالجزئیات علی رأی الحکماء والجواب عنهما من مخترعات مولانا سلطان الحکماء نصیر الحق و الدین الطوسی:

بسم الله الرحمن الرحیم.

الحمد لله حمد الشاکرین؛ والصلوة علی محمد و آله الطاهرین. یقول محرر هذه الاسطر احوج خلق الله الیه محمدبن محمد الطوسی: سالنی مولانا قاضی القضاة بهراة ملک العلما قدوة المحققین فخر الملة و الدین شمس الاسلام والمسلمین سید الافاضل المتأخرین افضل الافاق، ادام الله علوه وحرس مجده، حین استسعدت لخدمته و استفدت من نتایج فکره و قر بحته و ذلک فی شهور سنة ست و ستین وستمائة، عن قول الحکماء فی کیفیة صدور الموجودات

عن مبداها الاول وعن مذهبم فی علمه تعالی الجزئیات. فان اقاویل المصنفین فیهما مختلفة والاشکالات الواردة علی کل قول منها متکثرة و ما ینقله العوام عنهم فیهما واشتهر بین الجمهور من رایهم المتعلق بهمالیس مما یرتضیه ادنی انظار المبتدئین، فضلا عن مدعی التحقیق فی غوامض المسائل. فاردت ان اجیب عن سؤاله انقیاداً لاشارته؛ و ان کانت العوایق کثیرة، والشواغل متراکمة، والخاطر مقسم، والذهن متودع، والزمان غیر مساعد، والحال غیر ملائم. حررت ما اقتضاه الوقت وحضر فی الحال، راجیا ان اعود واکتب فی اوان الفراغ، ذکرا وافیا بما طلبه و شرحا کافیا لما قصده، مستعینا بالله وحده مفیض العقل وملهم الصواب. فاقول: اما المطلوب (الاول)؛ فلنقدم له مقدمة، هی: ان کل کثرة مفتقرة الی الواحد، بل الی الاحاد التی یلتئم عنها تلک الکثرة؛ فاذن هی محتاجة الی مبداء و الی مبادی. فکل محتاج الی المبداء الاول، لا یصلح لان یکون اول المبادی. فاذن المبدا الاول لا یمکن ان یکون الاواحدا. والواحد بالحقیقة الذی یصلح لان یکون مبداء اولا، لا یمکن ان یکون مشتملا علی کثرة فی ماهیته، ولا ان یکون معه کثرة خارجة عن ماهیته معتبرة فی مبدائیة. واذا کان شی بهذه الصفة، فلا یمکن ان یقارنه صفات ولا اعتبارات مختلفة و لا اضافات ولا سلوب. فان جمیع ذلک یتقدمه کثرة لامحالة. واذا تقررت هذه المقدمة؛ فاقول الواحد بالصفة المذکورة لا یمکن ان یصدر عنه الاواحد بلا اعتبار غیر ذاته. لانه اذا صدر عنه شیان؛ کان اعتبار صدور هما عنه متغایرین، وحیثیتا صدور هما عنه مختلفین. فیکون معه اعتباران اوحیثیتان؛ وقد فرضنا نفیهما. هذا خلف. و هذا معنی قول الحکما لا یصدر عن الواحد باعتبار واحد الاواحد. اما اذا تکثرت الاعتبارات و الحیثیات وان کانت ذهنیة او سلبیة امکن صدور الکثرة عن الواحد بتلک الاعتبارات او الحیثیات. مثلا الصباغ اذا وجد ثوبا دسما اشتغل بغسله؛ وان وجده بغیر

دسم اشتغل بصبغه فیصیر وجود شی سببا لفعل غیر الفعل الاول. وابضا النار الواحد یعمل تسوبدا فی الحطب، وتبییضا فی الفحم و تسخیناً فی الماء، و تجفیفاً فی الطین؛ و کل ذلک الاختلاف لاختلاف المواد. ومن اراد مسکناً؛ قصد بناء بیت ثم اراد للبیت با باوللباب غلقاً و للغلق مادة و صانعا الی غیر ذلک. وانما یشتغل باتخاذ شی بعد شی لانضیاف تخیلات مرتبة الی قصده الاول. وبالجملة بوجد لذلک امثلة کثیرة. واذاظهر ذلک فاقول:

اذا صدر عن المبداء الاول الواحد واحد فی المرتبة الاولی من مراتب الصدور؛ امکن ان یتکثر الاعتبارات فی المرتبة الثانیة. مثلا یحدث لکل واحد من المبدء والصادر اضافة الی الاخر، هی امر نعقل فی کل واحد منهما بالقیاس الی الاخر ویسلب عن الاخر، وهو یعقل تبری کل واحد منهما عن ان یدخل فی معقولیة الاخر، ویحدث لهما اشتراک فی الوجود اعنی الکون فی الاعیان، وامتیاز بینهما هو بامر زاید علی المشترک فی الصادر، ویقید المشترک بعدم انضمام شی الیه فی المبداء. و لاشک فی ان هذه الامور تعقلات متکثرة لازمة بعد صدور الصادر الاول عن المبدا الاول. وتلک الکثرة، وان لم تکن تصلح لان یکون مبادی امور وجودیة فی الاعیان؛ لکنها صالحة لان یصدر عن المبداء الاول بانضمام کل واحد منها الیه موجود اخر. وبهذالوجه یمکن ان یصدر عن المبداء الاول کثرة. و لنوضح ذلک بایراد مثال آخر. فلیکن المبداء الاول ا، و الصادر الاول ب ومن ا بتوسط، ب، ج؛ ومن ب بالنظر الی ا د و من ب وحده ه. وهذه ثلثة اشیاء فی المرتبة الثالثة من مراتب الصدور ثم لیصدر من اج معاً و، ومن ا و معاً ز، ومن ا ه معاً ح، ومن ا ب ج معاً ط، ومن ا ب د معاً ی، ومن ا ب ه معاً ک، ومن ا ج د معاً ل، ومن ا ب ج ه معاً م، ومن ا ب د ه معاً

ن، ومن ا ب ج د ه معاً س، ومن ب ح معاً ع، ومن ب د معاً ف، ومن ب ه معاً ص، ومن ب ج د معاً ق، ومن ب ج ه معاً ر، ومن ب د ه معاً ش ومن ب ج د ه معا ت، ومن ج وحده ث و من د وحده خ ومن ه وحده ذ ومن ج د معاً ض ومن ج ه معاً ظ ومن د ه معاً غ ومن ج د ه معاً لا وهذه صورتها:

المرتبة الاولى من مراتب الموجودات : ا

المرتبه الثانية منها : ب

المرتبة الثالثة : ج د ه

المرتبة الرابعة: و ز ح ط ی ك ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ لا

فجميع ما يمكن ان يحصل فی المرتبة الرابعة من الموجودات اربعة وعشرون و اذا جاوزت هذه المراتب صارت الصادر فی مرتبة واحدة اكثر من ان يحصی. و قد ظهر من ذلك امكان صدور اشياء لا تحصی كلها معافی مرتبة واحدة من المبداء الاول من غير تقدم البعض علی البعض.

والمنقول من الحكماء انهم قالوا: فی العقل الاول الصادر عن المبدا الاول اربع جهات: وجود من الاول وامكان من ذاته وتعقل للاول و نعقل لذاته. فصار بوجوده مبدأ لصورة فلك وبامكانه مبداء لمادته، وبتعقله الاول مبدا لعقل ثان، وبتعقله لذاته مبدأ لنفس هی نفس ذلك الفلك وانما اوردوا ذلك علی طريق التمثيل والتجوز لا علی سبيل القطع والتحقيق. وقد يلوح من ذلك للمستبصر ما بيناه، فبين ان وجوده هو الذی من هذه الاربعة حصل من المبداء الاول وحده؛ وهو بمنزلة ب فی مثالنا. واما امكانه فقد حصل من نسبة ماهيته

التی هی ما به یمتاز عن الاول ثم عن غیره الی وجوده. وهی اعنی الماهیة هی التی تحصل فیما تحصل فی المرتبة الثالثة منه بمنزلة ه. واما الامکان فبمنزلة ص، واما تعقله للمبداء الاول فقد حصل منه بالنظر الی مبداه وهو بمنزلة و، واما تعقله لذاته فانما یتحقق ذلک بافاضة المبداء الاول علیه ذلک التعقل فهو بمنزلة ج. وقدبینا ان الاعتبارات العقلیة والسلوب تصلح لان یصیر المبداء الاول بانضمامها الیه مبداء لموجودات کثیرة. والحق الذی یقتضیه اصولهم: ان جمیع الموجودات صادرة عن المبداء الاول وانما یصدر عنه باعتبارات هی امور معقولة اوصافا کانت او اضافات او سلوبا. ومصدر الوجود ومنبع الکون هو لاغیر. وانما وصف بالقادریة من حیث تعقله بالقیاس الی مقدوراته، وبالعالمیة من حیث تعقله بالقیاس الی معلوماته وبالمریدیة من حیث تعلق عنایته المخصوصة للطرف الخاص بالوجود من طرفی الامکان دون الطرف الاخیر. وکذلک القول فی سایر صفاته فهی لکونها امورا عقلیة متاخرة عن الکثرة یکون متاخرة عن صدور الکثرة. وانصاف الواجب بالصفات الممکنة لایثلم فی و اجیته. فهذا ما فهمته من مذهبهم فی کیفیة صدور الکثرة عن المبداء الاول الواحد الواجب لذاته تعالی وتقدس.

واما قولهم فی العلم بالجزئیات، فاقول فیه اولا ان الاهم فی هذا الباب تحقیق حقیقة العلم. وذلک یشتمل علی اطناب مع مخالفة للمتقدمین منهم. وقد عرضت لشئی منه فی شرح الاشارات فی باب تحقیق علمه تعالی بغیره. فلنعرض عنه ههنا ونشتغل بالمسئلة ونقول: العلم بالجزئیات اعنی الشخصیات الزمانیة والمکانیة قد یکون علی وجه کلی عقلی، وقد یکون علی وجه جزئی حسی اوخیالی. والاول یکون علی طریق الاحاطة بجمیع الزمان من الازل الی الابد، بمافیه من الاجزاء المفروضة وجمیع المتزمنات

المقارنةلزمانزمان، وجميع النسب الواقعة بينهمافى التقدم والتاخر ،ومقادير تقدم كل واحد على كل واحد ممايكون بعده وتاخره مما يكون مثله على ماهو عليه فى الوجود،وبجميع الامكنه السارية فى الجهات وماتحويها تلك الامكنة من المتمكنات وجميع اوضاعها بنسبة البعض الى البعض فى جهة من جهاته كالفوق والتحت والقدام والخلف واليمين واليسار وما يتركب منها،وعلى كيفية الاشارات الحسية من كل واحد الى كل واحد غير مقادير الامتدادات بينهما على ما هوالوجود . انما سمى كليا؛لان ذلك اذ ا عقل مع جميع هذه الاوصاف،غير مفيد بانها العلم بالموجودات الزمانية و المكانية التى فى عالمنا هذا .يعنى ان ذلك التعقل هو تعقل كليات طبيعية؛ و انما بصير جزوية باقترانها بقيدها بانها صورة هذاالعالم .وهو كلية عقلية باقترانها بتجوهر مطابقها لصور عوالم غير هذا العالم هى امثال هذاالعالم .وعلمه تعالى من حيث صدورها عنه هكذا يخصصها باسرها فيصير جزوية بهذا الاعتبار .واما الوجه الثانى وهو العلم بالجزئيات على الوجه الجزوى الحسى اوالخيالى؛فقد يكون كعلم احدنا وهو فى زمان بعينه بغيره،من حيث كون ذلك الغير فى زمان آخر بعينه،قبل ذلك الزمان او بعده،مع العلم بمقدار ما بينهما من العدة؛وذلك امتداد زمانى بين متزمن و متزمن كانه اشارة منه الى ذلك الاخر اشارة خيالية، مع العلم بان احدهما يكون ماضيا او مستقبلا عند العالم بذلك العلم من حيث كونه فى احد ذلك الزمانين ؛و كعلم احدنا وهو فى مكان بعينه بغيره من حيث كونه فى مكان آخر واقع فى جهة بعينه للمكان الاول،على وجه يصح منه الاشارة الى ذلك الاخر . والاشارة اليه هى امتدادوضعى، من ذى وضع الى ذى وضع آخر كلى منه فى جهة معينة .وعلمه تعالى لا يتعلق بالموجودات الزمانية والمكانية على هذاالوجه .لامتناع كون ذاته التى هى علة الازمنة و الامكنة كلها فى

زمان اومکان بعنيها .و كما لا يصح ان يوصف بانه ذائق اوشام و لامس لكونه غير ذى آلةجسمانية؛ فكذلك لا يصح ان يوصف بانه عالم بالجزئيات على وجه جزوى .فان ذلك يقتضى كون العالم بها واقعاً فى زمان ومكان بعينها .حتى يصح منه ان يشير الى غيره .فما هوفى زمان ومكان، غير زمانه ومكانه؛ويكون اشاره به امتداد آمنه اليه خياليا اوحسيا .وان تعسر على من يريد ان يفهم ذلك، تصور موجود لافى زمان ومكان؛فليعتبر الحكم بان الواحد نصف الاثنين، من حيث امتناع اختصاصه بمكان اوزمان متعينين . فانه لايجوزان يقال ان الواحدنصف الاثنين فى هذه السنةاوفى هذه البلدة ولا فى غير هما من الازمنة والامكنة .فليتامل ان مثل هذ الحكم الذى يحتاج الى شئى يتصوربهذا العلم فى نفس الامر ،لا يمكن ان يختص بزمان اومكان متعين ؛فكيف يجوزان يختص المتصور به بهما ؛وكيف تختص مبدع الازمنة والازمنة بزمان اومكان همامتاخران عنه فى الوجود بمراتب كثيرة . واذ يمتنع اختصاصه بالازمنة والامكنة المتعينة ؛فكيف يتصور الاشارة منه الى زمان اومكان متعينين . واذا عرفت ذلك من طريق العقل،وصدقت به؛ فان ابى وهمك توهم ذلك،فعليك ان لا تقدح فى الحكم العقلى،بسبب امتناع الوهم عن قبول حكم ليس من شأنه ان يحكم به .ولنورد لذلك مثالا،وان كان بعيداعنه، وهو ان يفرض سجلا مكتوبا،يشتمل كتابته على سطور، فيها كلمات متالفة من حروف؛فالعالم بجميع ما فى السجل من السطور و الكتاب والحروف دفعة ،يكون عالماً بما فيه على وجه .والناظر فيه الذى ينتقل نظره من سطر الى سطر بل من كلمة الى كلمة ومن حرف الى حرف، بحيث يكون بعض السطور والكلمات والحروف مما مر عليه وبعضهامما سيمر عليه من بعد؛ يكون عالماً بما فيه على وجه جزوى، مشتمل على ما خرج الى الفعل،وعلى ما هو بالقوة بعد .فليتامل فيه وليحكم بما يقتضيه العقل

الصریح،دون الوهم و الخیال انشاءالله. فهذا ما فهمته من قولهم علم المبداء الاول با لجزئیات،یکون علی وجه کلی،لاعلی‌وجه‌جزوی‌زمانی ، و ذلک ما اردت ایراده ، فی جواب سئوالی مولانا العالم المحقق فخر الملةوالدین شمس الاسلام‌والمسلمین قدوة العلماءالمحققین‌سیدافاضل المتأخرین قاضی القضات،ادام الله علوه‌وحرس مجده.فان طابق مراده‌فهو المطلوب؛وان توقف فی شئی من ذلک اعاد بفضله ذلک الموضع،لاوضح ماعندی فیه‌انشاءالله تعالی‌و هوولی التوفیق‌و الملهم للصواب منه المبداء والیه المآب—فرغ من کتابة مسودته‌فی ذی‌القعده سنه ستة وستین‌وستمائة هجربة حامدا و مصلیا مسلماً و داعیا ومستغفرا (از روی نسخهٔ ش ۱۰۷۹/٤ دانشگاه - ص۱۸۷ فهرست.نسخهٔ ملک ش ٤٦٨۱ گ ٥۳ الف - ٥٤ الف نقل ازخط طوسی بدو واسطه)

سوم رسالهٔ «علل و معلولات» که در آن هم بروش ریاضی رفته وموشکافی بیشتری کرده است :

هذه رسالة اخترعهاالمولی‌السعید المحقق‌العلامة افضل‌المتاخرین نصیر الحق‌و الدین‌الطوسی،رحمه‌الله فی‌العلل والمعلولات.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . مسئلة :

قالت‌الحکماء:«المبدألاول‌لجمیع الموجودات‌واحد ، تعالی‌ذکره ، وان‌الواحدلا یصدرعنه‌الاواحد »

قیل‌لهم : فان کان هکذا؛ وجب ان یکون معلولاته ، واحدابعد واحد، متسلسلة الی‌المعلول‌الآخر ؛وحینئذلا یمکن‌ان‌یوجدشیئان‌الاو یکون احدهماعلةللآخر ، بوسط او بغیروسط .

قالوا انماقلنا: ان‌الواحد لا یصدرعنه من جهة واحدة الاواحد . اما اذا تکررت‌الجهات فقد یصدر عنه من‌تلک‌الجهات کثرة ؛ ولا یکون‌ذلک

مناقضا لقولنا : «لا يصدرعنه الاواحد» .

قالوا : و المعلول الاول الذی هوعقل اول فيه جهات كثيرة : احديها وجوده الصادرعن المبدا الاول ، والثانی ماهيته التی يقتضيها غيريته للاول ، والثالث علمه بالاول ، والرابع علمه بذاته ،

قالوا : ويمكن ان يصدرعنه من هذه الجهات اربعة اشياء : عقل ثانی ؛ وهيولی ؛ و صورة ، يتركب عنهما فلك هواعظم الافلاك ؛ ونفس تدبر ذلك الفلك و تحركه . ثم يصدر عن ذلك العقل عقل ، وفلك ،ونفس ؛ وهكذا الی ان يصير العقول عشرة ، و الافلاك تسعة ؛ و يصدر عن العقل الاخر هيولی عالم الكون و الفساد ، والصور المتعاقبة فيها علی تفصيل ذكروه .

قيل لهم : هذه الجهات التی فی العقل الاول ان كانت موجودات متغايرة ؛ فقد صدرعن المبدأ الاول كثرة ؛ وان لم تكن موجودات ؛فكيف يعقل صدور اشياء ، عن شئی واحد،من جهات لاوجودلها . ثم انكم تقولون: ان الافلاك ، وفيها كواكب ثابتة لاتحصی(و) كواكب سيارة ؛فجميع هذه من ابن جاء و ما عللها . وطال النزاع بين الفريقين كما هوالمشهور بين النظار .

اقول : ويمكن ان يصدرعن المبدأ الاول ، علی قواعدالحكماء، كثرة غير مترتبة بوسائط قليلة ؛ ولايكون مبدء كل معلول الاعلة موجودة ؛ بانفرادها ، غيرامر اعتباری او جهة لاوجود (لها) بانفراد . فليكن المبدأ الاول : ا ، ومعلوله الاولی : ب ، و هوفی اول مراتب المعلولات .ثم ليصدرعن ا مع ب،ج ، و عن ب وحده د ، فهما فی ثانية مراتبها و هما معلولان غيرمترتبين ای ليس احدهما علة للآخر . و مجموع المعلولات مع العلة الاولی اربعة : ا ب ج د ؛ ولنسمها بالمبادی .وازدواجاتها الثنائية ست هی : ا ب ، اج ، اد ، ب ج ، ب د ، ج د . والثلاثية اربع : اب ج ،

اب د ، اج د ،ب ج د .والرباعية واحدة ، هى : مجموع اب ج د .والجميع خمسة عشر . و بمكن ان بصدر عن كل واحد من هذه ، مفردة كانت اومزدوجة ، معلول ؛ الاس ا وحده و من ب وحده و من اب معا؛ فان معلولات هذهالثلثة مذكورة فىالمرتبتينالاولىو الثانية . وبقى اثناعشر، منها اثنان فرادى هما:ج و د ، و خمسة ثنائية ، واربعة ثلاثية ، وواحد رباعى؛ و معلولاتها اثناعشر ، و هى فىثالثة مراتبالمعلولات من غير ان يتوسطالبعض فى صدورالبعض . ثم فىالمرتبة الرابعة يحصلمعلولات، يزيدعدتها على خمسة وستين الفا . ولنقدم على بيان ذلك مقدمة ،هىان نقول : اذا اعتبرنا فىالاثناعشرالافراد ، والازدواجات ثنائية و ثلاثية ، و مازادعليهاالى اثنىعشر ؛ حصل لنااربعةالاف و مائتانوخمسةوتسعون عددا ؛ منهاحا ل الافراد:١٢ ،وحاصل الثنائيات:٦٦ ،و حاصل الثلاثيات: ٢٢٠ و حاصلالرباعيات : ٤٩٥ ، و حاصلالخماسيات : ٧٩٣ ، و حاصل السداسيات :٩٢٤ و السباعيات مثل الخماسيات ، اذفيها ترك خمسة من الاعدادالاثنى عشر كماان فىالخماسيات اخذ خمسة ؛ و كذلك الثمانيات مثل الرباعيات؛ والتساعياتمثل الثلاثيات ؛ والعشاريات مثل الثنائيات ؛ والاحدعشريات مثلالافراد ؛ واثناعشرىواحدلاغير . ولنضع لبيانذلك الاثنى عشروهى : ه وزح ط ى ياىب بج يد يه بو ؛ فظاهرانافراد ها اثناعشر فقط ، وان ثنائياتها تجعل من انضمام ه مع كل واحد مماعداهو هواحدعشر، ثم من انضمام و مع كل واحدمما بعده وهو عشرة ،وهكذا فيما بعد و. والمجموع يحصل من جميع الاعداد المتوالية من واحد الى احدعشرو هوستةوستونلاغيرو هىحاصل الثنائيات .واماالثلاثيات ،فيحصل من انضمامه مع و وهمامعواحدواحدمنالباقية وهىعشرة ، ثم منانضمام ه مع د وهما مع واحد و احد مما بعدهما ، و هى تسعة ؛ و هكذا الى ان

بتم‌الاعداد و بحصل عدد مركب من الواحد الى العشرة على التوالى وهو خمسة و خمسون بكون ه احداجزاءجميعها ، ثم يخلى عن ه ويعتبر و مع ز وهما مع واحدواحد من‌الباقية بحصل تسعة ومن‌اعتبار ومع ح وهما مع واحد واحد ممابعد هما يحصل ثمانية ؛ و هكذا الى‌الاخر ويحصل‌عدد يتركب من‌الواحدالي‌التسعة على‌التوالى و هو خمسة و اربعون. و على هذاالقياس نعتبر مما بعد و ويحصل لنا اعداد مركبة من الواحدالى الثمانية ومن الواحدالى السبعة الى ان ينتهى الى‌الواحد وحده ؛ ويكون الاعدادجمعيها هذه: نه‌مه،لو كج، كا، به،ى ،و ،ج،ا؛ومجموعها ۲۲۰وذلك هو حاصل التلاثيات .واماالرباعبات فيكون فى‌الاعتبارالاول ه وزمع‌واحد واحدمن‌التسعةالباقية ؛ثم‌اعتبار ه ومع‌اثنتين اثنتين مما بعدهما ؛ثم‌اعتبار ه مع ثلثة ثلثة يحصل ما يجتمع من‌الواحد منضما الى الاعدادالمتواليةالتى بعدها الى نسعة ، ثم منه‌الى ثمانية ،ثم منه الى سبعة ،و هكذاالى‌الواحد وحده و يحصل‌من‌الجمبع هذه‌الاعداد : قسه ، قك : مد ، نو ، له ،ك ،ى، د ، ا ؛ و مجموعها :٤٩٥ ؛ و ذلك هوحاصل الرباعيات .وعلى‌هذاالقياس يعمل فى‌طلب‌الازدواجات الخماسية ؛ و يحصل هذه الاعداد متوالية فى آخرالعمل : شل ، رى ،فكو ع ، له ، به ،ه، ا ؛ و مجموعها : ۷۹۲ ؛ و هو حاصل‌الخماسيات . و يعمل ايضا فى طلب الازدواجات السداسية مثل ذلك فيحصل هذه‌الاعداد : قست ، رنب ، فكو ، نو، كا ،و ، ا ؛ و مجموعها :۹۲٤ ؛ و هو حاصل‌السداسيات. و قدذكرناان‌السباعيات يكون مثل الخماسيات ؛ و الثمانيات مثل الرباعيات ؛ و التساعيات مثل الثلاثيات؛ و العشاربات‌مثل الثنائيات ؛ والاحد عشريات مثل‌الافراد ، و الاثنا عشرى و احدلاغير ؛ والمجموع ما ذكرناه‌من‌العدد .

فهذا مااردت تقديمه ؛ ولنعد الى المقصود ؛ فنقول : اذا اعتبرنا

المبادی الاربعة المذکورة مع الاثنی عشر التی فی المرتبة الثالثة ، افراداً او ثنائیات و ثلاثیات ، الی الستة عشر التی هی المجموع ؛ حصل ترکیبات کثیرة عمدتها ما ذکرنا . اما اعتبار الاحاد فرادی فلا یزید علی ۱۲ هی معلولات العدد الذی فی المرتبة الثالثة ؛ لان المبادی لا یجوزان یصیر مرة اخری مبادی لشئی من المعلولات .

و اما الثنائیات ، فحاصلها فی اعتبار الاثنی عشر ستة وستون کما مر ؛ و یحصل من انضمام کل واحد من المبادی مع واحد واحد من الاثنی عشر ، ما یحصل فی ضرب اربعة فی اثنی عشر وهو ثمانية و اربعون والجمیع ۱۱۴ لامزید علیه .

و اما الثلاثیات ، فحاصل الثلاثیات الاثنی عشریة ۲۲۰ ؛ والحاصل من انضمام کل واحد من المبادی الی واحد واحد من حاصل الثنائیات الاثنی عشریة ، ما یحصل من ضرب اربعه فی ستة وستین و هو مائتان و اربعة و ستون ؛ ومن انضمام کل اثنین من المبادی الی کل واحد من الاثنی عشر ، ما یحصل من ضرب ستة فی اثنی عشر و هو اثنان وسبعون ؛ والمجموع ۵۵۶ لامزید علیه .

و اما الرباعیات ، فحاصل الرباعیات الاثنی عشریة اربعمائة و خمسة و تسعون ؛ والحاصل من انضمام کل واحد من المبادی الی حاصل الثلاثیات الذی هو مائتان وعشرون ، ما یحصل من ضرب اربعة فیه و هو ثمانمائة و ثمانون ؛ ومن انضمام کل اثنتین من المبادی الی حاصل الثنائیات الذی هو ستة وستون ، ما یحصل من ضرب ستة فیه و هو ثلثمائة وستة و تسعون ؛ ومن انضمام ثلثة من المبادی الی حاصل الافراد و هو اثناعشر ، ما یحصل من ضرب اربعة فیه و هو ثمانية و اربعون والمجموع ۱۸۱۹ لا یزید .

و اما الخماسیات ، فحاصلها الاثنا عشری سبعمائة و اثنان و تسعون ؛

والحاصل من انضمام کل واحدمن المبادی الی حاصل الرباعیات ، مایحصل من ضرب اربعة فی اربعمائةو خمسةو تسعین و هوالف و تسعمائةوثمانون؛ ومن انضمام کل اثنتین منها الی حاصل الثلاثیات ، مایحصل من ضرب ستةفی ماتین وعشرین وهوالف و ثلثمائة وعشرون ؛ومن انضمام کل ثلثة منها الی حاصل الثنائیات،مایحصل من ضرب اربعة فی ستةوستین و هومائتان و اربعة وستون ؛ و من انضمام المبادی الاربعةالی حاصل الافرادمایحصل من ضرب واحد فی اثنی عشر والمجموع ٤٣٦٨ .

و اما السداسیات فحاصلها الاثنا عشری تسعمائة و اربعةوعشرون و من انضمام واحد واحدمن المبادی الی حاصل الخماسیات ثلثة آلاف ومائة و ثمانیه وستون ؛و من اثنین اثنین الی حاصل الرباعیات اثنان و تسعمائة و سبعون ؛ و من ثلثة ثلثة الی حاصل الثلاثیات ثمانمائة وثمانون ؛ ومن- الاربعةالی حاصل الثنائیات ستةو ستون و المجموع ۸۰۰۸

واما السباعیات ،فحاصلهاالاثناعشری سبعمائة واثنان و تسعون ؛ والحاصل من انضمام احادالمبادی الی حاصل السداسیات ثلثةالاف وستمائة وستة و تسعون ؛ ومن انضمام ثنائیاتها الی حاصل الخماسیات اربعةالاف وسبعمائة و اثنان و خمسون ؛ ومن ثلاثیاتها الی حاصل الرباعیات الف و تسعمائة وثمانون ؛ ومن اربعتها الی حاصل الثلاثیات مائتان و عشرون و الجموع ۱۱٤٤۰ .

و اماالثمانیات ،فحاصلها الاثناعشری اربعمائةوخمسة و تسعون ؛ والحاصل من احاد المبادی مع حاصل السباعیات ثلثةالاف و مائة و ثمانیة وستون ؛ ومن ثنائیاتها مع حاصل السداسیات خمسةالاف وخمسمائة واربعة و اربعون ؛ومن ثلاثیاتهامع حاصل الخماسیات ثلثةالاف ومائةوثمانیةوستون؛ ومن اربعتهامع حاصل الرباعیات اربعمائةو خمسة و تسعون والمجموع یکون ۱۲۸۷۰

و اما التساعیات ، فحاصلها الاثناعشری مائتان وعشرون ؛ والحاصل من آحاد المبادی مع حاصل الثمانیات الف و تسعمائة وثمانون ؛ ومن ثنائیاتها مع حاصل السباعیات اربعة الاف وسبعمائة واثنان و خمسون ؛ ومن ثلاثیاتها مع حاصل السداسیات ثلثة الاف و ستمائة و ستة و تسعون ؛ ومن اربعتها فی حاصل الخماسیات سبعمائة واثنان و تسعون والمجموع ۱۱٤٤۰

و اما العشاریات ، فحاصلها الاثناعشری ستة وستون ؛ و الحاصل من احاد المبادی مع حاصل التساعیات ثمانمائة و ثمانون ؛ و من ثنائیاتها مع حاصل الثمانیات الفان و تسعمائة وسبعون ؛ ومن ثلاثیاتها مع حاصل السباعیات ثلثة آلاف ومائة و ثمانیة وستون ؛ ومن اربعتها مع حاصل السداسیات تسعمائة و اربعة و عشرون والمجموع ۸۰۰۸

واما الاحد عشریات ، فحاصلها الاثناعشری اثناعشر و الحاصل من آحاد المبادی مع حاصل العشاریات مائتان و اربعة وستون ؛ ومن ثنائیاتها مع حاصل التساعیات الف وثلثمائة وعشرون ؛ ومن ثلاثیاتها مع حاصل الثمانیات الف و تسعمائة وثمانون ؛ ومن اربعها مع حاصل السباعیات سبعمائة واثنان وتسعون و المجموع ٤۳٦۸

و اما الاثناعشریات ، فحاصلها الاثنی عشری واحد ؛ والحاصل من احاد المبادی مع حاصل الاحدعشریات ثمینة واربعون ؛ ومن ثنائیاتها مع حاصل العشاریات ثلثمائة وستة وتسعون ؛ و من ثلاثیاتها مع حاصل التساعیات ثمانمائة وثمانون ؛ ومن اربعها مع حاصل الثمانیات اربعمائة وخمسة وتسعون والمجموع ۱۸۲۰

واما الثلثة عشریات ، فلیس لها حاصل اثنی عشری ؛ و الحاصل من احاد المبادی مع حاصل الاثناعشری اربعة ؛ و من ثنائیاتها مع حاصل الاحد عشریات اثنان و سبعون ؛ ومن ثلاثیاتها مع حاصل العشاریات ثلثمائة و ستة وتسعون ؛ و من اربعتها مع حاصل التساعیات مائتان وعشرون والمجموع ۲۹۲

و اما الاربعة عشر بات ، فليس لها حاصل اثناعشری ، ولاحاصل مع احادالمبادی ؛ والحاصل من ثنائیات المبادی مع الحاصل من الاثنی عشری ستة ؛ ومن ثلاثياتها مع حاصل الاحدعشر بات ثمانمائة و اربعون ، و من اربعتها مع حاصل العشار بات ستة وستون والمجموع ۱۲۰

واما الخمسه عشر يات ، فليس لها حاصل اثناعشری ،ولاحاصل مع آحادالمبادی وثنائیاتها ؛ والحاصل من ثلاثياتها مع الحاصل الاثناعشری اربعة ؛ومن اربعتها مع حاصل الاحدعشر بات اثناعشر والمجموع ۱۶ .

و اماالستته عشر ية فواحدلاغير .

و اذن حصل لنا من هذه الازدواجات هذه الاعداد : الافراد : ۱۲ ؛ الثنائيات: ۱۱۴ ؛الثلاثيات: ۵۵۶ ؛ الرباعيات : ۱۸۱۹ ؛ الخماسيات: ۴۳۶۸ ؛ السداسيات : ۸۰۰۸ ،السباعيات ۱۱۴۴۰ ؛الثمانيات : ۱۲۸۷۰ ؛ التساعيات؛ ۱۱۴۴۰ ، العشار بات : ۸۰۰۸ ؛ الاحدعشر بات : ۴۳۴۸ ؛ الاثناعشر يات: ۱۸۲۰ ؛الثلثة عشر بات: ۶۹۲ ؛الاربعة عشر بات: ۱۲۰ ؛الخمسة عشر بات: ۶۱ ؛ الستة عشری : ۱ ؛والمجموع الحاصل من ذلك خمسة وستون الفاوستمائة واثنان و خمسون عدداً هی اعدادالمعلولات التی بمكن ان يفع فی الدرتبة الرابعة للمعلولات من عندالمبدأالاول من غير نوسط البعض للبعض ومن غير تاثير الاعتبارات والجهات التی لانوجد بالاستقلال .وان اعتبر مابعد هذه المرتبة ، وعدمايقع فيها ؛ صارت الاعداد عسره الانضباط ،لكثرتها . و قدنبين من ذلك امكان صدور الكثرة التی لاينحصر من المبدأ الاول ، على شريطة ان لايصدر من واحدالاواحد ، من غيران نكون المعلولات متسلسلة . وذلك مااردت بيانه فی هذه المسئلة . والله اعلم بالصواب (از روی نسخهٔ ش ۱۰۷۹/۱۲ دانشگاه ص ۳۰۵ فهرست)

در روضةالتسليم كه ازخواجهٔ طوسی پنداشته اند هم در تصور دوم

وبویژه سوم ازقاعدهٔ «لا یصدرعن الواحدالاالواحد» کاوش سده‌ولی سخنان درست و استوار درآن نیامده است . در کشف‌المحجوب سجستانی وراحة العقل کرمانی وزادالمسافر ین ناصر خسرو و گشایش ورهایش وروشنائی‌نامهٔ او یادی ازآن‌نگشته‌مگر اینکه‌قبادیانی درصف بیست و هفتم خوان‌اخوان (ص۷۵) می‌نویسد : «علت همهٔ بودها کلمهٔ باری سبحانه‌است‌وآن کلمه یکیست ومعلول او بحقیقت بی‌هیچ میانجی یکی‌لازم‌آید تا با بمیانجی آن یک‌معلول دیگر معلولات پدیدآیند » . در جامع الحکمتین همو(ص۱٤٥) وشرح قصیدهٔ ابوالهیثم از محمدبن‌سرخ نیشابوری (ص۳٦) هم میتوان سخنانی در این‌زمینه‌یافت .

در کتابخانهٔ‌دانشگاه(نس۲/ ۸۸۰ - ص۳۹۷ فهرست نگارنده)رساله‌ای است‌دربارهٔ‌قاعدهٔ «الواحدلا یصدرعنه‌الاالواحد»و بسیار سودمند میباشد .

این بود آنچه‌ازخواجهٔ طوسی‌دراین‌زمینه در دسترس داشته ودر اینجا آورده‌ام و چنین بود آگاهی‌نگارنده ازاین‌قاعدهٔ فلسفی .

محمد تقی دانش پژوه

اردی بهشت ۱۳۳٥

انتشارات دانشگاه تهران

۱ - وراثت (۱)	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲ - A Strain Theory of Matter	» » محمود حسابی
۳ - آراء فلاسفه در بارهٔ عادت	ترجمهٔ » برزو سپهری
۴ - کالبدشناسی هنری	تألیف » نعمت‌الله کیهانی
۵ - تاریخ بیهقی جلد دوم	بتصحیح سعید نفیسی
۶ - بیماریهای دندان	تألیف دکتر محمود سیاسی
۷ - بهداشت و بازرسی خوراکیها	» » سرهنگ شمس
۸ - حماسه سرائی در ایران	» » ذبیح‌الله صفا
۹ - مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی	» » محمد معین
۱۰- نقشه برداری جلد دوم	» مهندس حسن شمسی
۱۱- گیاه شناسی	» حسین گل گلاب
۱۲- اساس‌الاقتباس خواجه نصیر طوسی	بتصحیح مدرس رضوی
۱۳- تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد اول	تألیف دکتر حسن ستودهٔ تهرانی
۱۴- روش تجزیه	» » علی‌اکبر پریمن
۱۵- تاریخ افضل ـ بدایع الازمان فی وقایع کرمان	فراهم آوردهٔ دکتر مهدی بیانی
۱۶- حقوق اساسی	تألیف دکتر قاسم زاده
۱۷- فقه و تجارت	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۸- راهنمای دانشگاه	—
۱۹- مقررات دانشگاه	—
۲۰- درختان جنگلی ایران	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۲۱- راهنمای دانشگاه بانگلیسی	—
۲۲- راهنمای دانشگاه بفرانسه	—
۲۳- Les Espaces Normaux	ألیف دکتر هشترودی
۲۴- موسیقی دورهٔ ساسانی	» مهدی برکشلی
۲۵- حماسه ملی ایران	ترجمهٔ بزرگ علوی
۲۶- زیست شناسی (۲) بحث در نظریهٔ لامارک	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲۷- هندسه تحلیلی	» » علینقی وحدتی
۲۸- اصول گداز و استخراج فلزات جلد اول	تألیف دکتر یگانه حایری
۲۹- اصول گداز و استخراج فلزات » دوم	» » »
۳۰- اصول گداز و استخراج فلزات » سوم	» » »
۳۱- ریاضیات در شیمی	» » هورفر
۳۲- جنگل شناسی جلد اول	» مرحوم مهندس کریم ساعی
۳۳- اصول آموزش و پرورش	نگارش دکتر محمد باقر هوشیار
۳۴- فیزیولژی گیاهی جلد اول	» » اسمعیل زاهدی

۳۵-	جبر و آنالیز	نگارش دکتر محمدعلی مجتهدی
۳۶-	گزارش سفر هند	» » غلامحسین صدیقی
۳۷-	تحقیق انتقادی در عروض فارسی	» » پرویز ناتل خانلری
۳۸-	تاریخ صنایع ایران - ظروف سفالین	» » مهدی بهرامی
۳۹	واژه نامه طبری	» » صادق کیا
۴۰-	تاریخ صنایع اروپا درقرون وسطی	» عیسی بهنام
۴۱-	تاریخ اسلام	» دکتر فیاض
۴۲-	جانورشناسی عمومی	» » فاطمی
۴۳-	Les Connexions Normales	» » هشترودی
۴۴-	کالبد شناسی توصیفی (۱) - استخوان‌شناسی	» دکتر امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس - دکتر نائینی
۴۵-	روان‌شناسی کودک	نگارش دکتر مهدی جلالی
۴۶-	اصول شیمی پزشکی	» » آ. وارتانی
۴۷-	ترجمه و شرح تبصرهٔ علامه جلداول	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۴۸-	اکوستیک «صوت» (۱) ارتعاشات - سرعت	» دکتر ضیاء الدین اسمعیل بیگی
۴۹-	انگل شناسی	» » ناصر انصاری
۵۰-	نظریه توابع متغیر مختلط	» » افضلی‌پور
۵۱-	هندسه ترسیمی و هندسه رقومی	» احمد بیرشک
۵۲-	درس اللغة و الادب (۱)	» دکتر محمدی
۵۳-	جانور شناسی سیستماتیک	» » آزرم
۵۴-	پزشکی عملی	» » نجم‌آبادی
۵۵-	روش تهیه مواد آلی	» » صفوی گلپایگانی
۵۶-	مامائی	» » آهی
۵۷-	فیزیولژی گیاهی جلددوم	» » زاهدی
۵۸-	فلسفه آموزش و پرورش	» دکتر فتح‌الله امیرهوشمند
۵۹-	شیمی تجزیه	» » علی‌اکبر پریمن
۶۰-	شیمی عمومی	» مهندس سعیدی
۶۱-	امیل	ترجمهٔ مرحوم غلامحسین زیرک‌زاده
۶۲-	اصول علم اقتصاد	تألیف دکتر محمود کیهان
۶۳-	مقاومت مصالح	» مهندس گوهریان
۶۴-	کشت گیاه حشره کش پیرتر	» مهندس میردامادی
۶۵-	آسیب شناسی	» دکتر آرمین
۶۶-	مکانیک فیزیک	» » کمال جناب
۶۷-	کالبدشناسی توصیفی (۲) - مفصل شناسی	تألیف دکتر امیراعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس
۶۸-	درمانشناسی جلد اول	تألیف دکتر عطائی
۶۹-	درمانشناسی » دوم	» » »
۷۰-	گیاه شناسی - تشریح عمومی نباتات	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۷۱-	شیمی آنالیتیک	» دکتر گاگیک
۷۲-	اقتصاد جلداول	» » علی‌اصغر پورهمایون

۷۳-	**دیوان سیدحسن غزنوی**	بتصحیح مدرس رضوی
۷۴-	**راهنمای دانشگاه**	—
۷۵-	**اقتصاد اجتماعی**	تألیف دکتر شیدفر
۷۶-	**تاریخ دیپلوماسی عمومی** جلد دوم	» » حسن ستوده تهرانی
۷۷-	**زیبا شناسی**	» علینقی وزیری
۷۸-	**تئوری سنتیک گازها**	» دکتر روشن
۷۹-	**کارآموزی داروسازی**	» » جنیدی
۸۰-	**قوانین دامپزشکی**	» » میمندی نژاد
۸۱-	**جنگل‌شناسی** جلد دوم	» مرحوم مهندس ساعی
۸۲-	**استقلال آمریکا**	» دکتر مجیر شیبانی
۸۳-	**کنجکاویهای علمی و ادبی**	—
۸۴-	**ادوار فقه**	» محمود شهابی
۸۵-	**دینامیک گازها**	» دکتر غفاری
۸۶-	**آئین دادرسی دراسلام**	» محمد سنگلجی
۸۷-	**ادبیات فرانسه**	» دکتر سپهبدی
۸۸-	**از سربن تا یونسکو**- دو ماه در پاریس	» » علی‌اکبر سیاسی
۸۹-	**حقوق تطبیقی**	» » حسن افشار
۹۰-	**میکروب‌شناسی** جلد اول	تألیف دکتر سهراب-دکتر میردامادی
۹۱-	**میزراه جلد اول**	» » حسین گلاژی
۹۲-	» » **دوم**	» » » »
۹۳-	**کالبد شکافی** (تشریح عملی دست‌وپا)	» » نعمت‌الله کیهانی
۹۴-	**ترجمه وشرح تبصره علامه** جلد دوم	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۹۵-	**کالبد شناسی توصیفی (۳)** - عضله شناسی	» دکتر امیراعلم-دکتر حکیم دکتر کیهانی-دکتر نجم‌آبادی- دکتر نیک‌نفس
۹۶-	» » **(۴)** - رگ شناسی	» » » »
۹۷-	**بیماریهای گوش وحلق و بینی** جلداول	تألیف دکتر جمشید اعلم
۹۸-	**هندسهٔ تحلیلی**	» » کامکار پارسی
۹۹-	**جبر و آنالیز**	» » » »
۱۰۰-	**تفوق و برتری اسپانیا (۱۵۵۹-۱۶۶۰)**	» » بیانی
۱۰۱-	**کالبدشناسی توصیفی** - استخوان‌شناسی اسب	» » میر بابائی
۱۰۲-	**تاریخ عقاید سیاسی**	» » محسن عزیزی
۱۰۳-	**آزمایش و تصفیه آبها**	نگارش دکتر محمد جواد جنیدی
۱۰۴-	**هشت مقاله** تاریخی وادبی	» نصرالله فلسفی
۱۰۵-	**فیه مافیه**	» بدیع‌الزمان فروزانفر
۱۰۶-	**جغرافیای اقتصادی** جلد اول	» دکتر محسن عزیزی
۱۰۷-	**الکتریسیته وموارد استعمال آن**	» مهندس عبدالله ریاضی
۱۰۸-	**مبادلات انرژی درگیاه**	» دکتر اسمعیل زاهدی
۱۰۹-	**تلخیص البیان عن مجازات القران**	» سید محمد باقر سبزواری
۱۱۰-	**دو رساله** - وضع الفاظ و قاعده لاضرر	» محمود شهابی
۱۱۱-	**شیمی آلی** جلداول تئوری واصول کلی	» دکتر عابدی
۱۱۲-	**شیمی آلی** «ارگانیک» جلداول	» » شیخ

۱۱۳- حکمت الهی عام و خاص	نگارش مهدی قمشهٔ
۱۱۴- امراض حلق و بینی و حنجره	» دکتر علیم مروستی
۱۱۵- آنالیز ریاضی	» » منوچهر وصال
۱۱۶- هندسه تحلیلی	» » احمد عقیلی
۱۱۷- شکسته بندی جلد دوم	» » امیر کیا
۱۱۸- باغبانی (۱) باغبانی عمومی	» مهندس شیبانی
۱۱۹- اساس التوحید	» مهدی آشتیانی
۱۲۰- فیزیك پزشکی	» دکتر فرهاد
۱۲۱- اکوستیك « صوت » (۲) مشخصات صوت - لوله - تار	» » اسمعیل بیگی
۱۲۲- جراحی فوری اطفال	» » مرعشی
۱۲۳- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (۱)	» علینقی منزوی تهرانی
۱۲۴- چشم پزشکی جلداول	» دکتر ضرابی
۱۲۵- شیمی فیزیك	» » بازرگان
۱۲۶- بیماریهای گیاه	» » خبیری
۱۲۷- بحث در مسائل پرورش اخلاقی	» » سپهری
۱۲۸- اصول عقاید و کرائم اخلاق	» زین العابدین ذوالمجدین
۱۲۹- تاریخ کشاورزی	» دکتر تقی بهرامی
۱۳۰- کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن	» » حکیم و دکتر گنج بخش
۱۳۱- امراض واگیر دام	» » رستگار
۱۳۲- درس اللغة والادب (۲)	» » محمدی
۱۳۳- واژه نامه گرگانی	» » صادق کیا
۱۳۴- تك یاخته شناسی	» » عزیز رفیعی
۱۳۵- حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده)	» » قاسم زاده
۱۳۶- عضله و زیبائی پلاستیك	» » کیهانی
۱۳۷- طیف جذبی و اشعه ایکس	» » فاضل زندی
۱۳۸- مصنفات افضل الدین کاشانی	» » مینوی و یحیی مهدوی
۱۳۹- روان شناسی (از لحاظ تربیت)	» » علی اکبر سیاسی
۱۴۰- ترمودینامیك (۱)	» مهندس بازرگان
۱۴۱- بهداشت روستائی	نگارش دکتر زوین
۱۴۲- زمین شناسی	» » یدالله سحابی
۱۴۳- مکانیك عمومی	» » مجتبی ریاضی
۱۴۴- فیزیولوژی جلداول	» » کاتوزیان
۱۴۵- کالبدشناسی و فیزیولوژی	» » نصرالله نیك نفس
۱۴۶- تاریخ تمدن ساسانی جلداول	» سعید نفیسی
۱۴۷- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت اول سلسله اعصاب محیطی	» دکتر امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیك نفس
۱۴۸- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت دوم سلسله اعصاب مرکزی	» » » »
۱۴۹- کالبدشناسی توصیفی (۶) اعضای حواس پنجگانه	» » » »
۱۵۰- هندسه عالی (گروه و هندسه)	تألیف دکتر اسدالله آل بویه
۱۵۱- اندام شناسی گیاهان	» » پارسا

۱۵۲- چشم پزشکی (۲)	نگارش دکتر ضرابی
۱۵۳- بهداشت شهری	« « اعتمادیان
۱۵۴- انشاء انگلیسی	« بازارگادی
۱۵۵- شیمی آلی (ارگانیك) (۲)	« دکتر شیخ
۱۵۶- آسیب شناسی (گانگلیون استلر)	« « آرمین
۱۵۷- تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی	« « ذبیح‌الله صفا
۱۵۸- تفسیر خواجه عبدالله انصاری	بتصحیح علی‌اصغر حکمت
۱۵۹- حشره‌شناسی	تألیف جلال افشار
۱۶۰- نشانه شناسی (علم العلامات) جلد اول	« دکتر محمدحسین میمندی‌نژاد
۱۶۱- نشانه‌شناسی بیماریهای اعصاب	« « صادق صبا
۱۶۲- آسیب‌شناسی عملی	« « حسین رحمتیان
۱۶۳- احتمالات و آمار	« « مهدوی اردبیلی
۱۶۴- الکتریسته صنعتی	« « محمد مظفری زنگنه
۱۶۵- آئین دادرسی کیفری	« « محمدعلی هدایتی
۱۶۶- اقتصاد سال اول (چاپ‌دوم اصلاح‌شده)	« « علی‌اصغر پورهمایون
۱۶۷- فیزیك (تابش)	« « روشن
۱۶۸- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلددوم)	« علینقی منزوی
۱۶۹- « « « « « (جلدسوم-قسمت‌اول)	« محمدتقی دانشپژوه
۱۷۰- رساله بود و نمود	« محمود شهابی
۱۷۱- زندگانی شاه‌عباس اول	« نصرالله فلسفی
۱۷۲- تاریخ بیهقی (جلدسوم)	بتصحیح سعید نفیسی
۱۷۳- فهرست نشریات ابوعلی‌سینا بزبان فرانسه	« « «
۱۷۴- تاریخ مصر (جلداول)	تألیف احمد بهمنش
۱۷۵- آسیب‌شناسی آزردگی‌سیستم رتیکولوآندوتلیال	« دکتر آرمین
۱۷۶- نهضت‌ادبیات‌فرانسه دردوره رومانتیك	« مرحوم زیرك‌زاده
۱۷۷- فیزیولژی (طب عمومی)	نگارش دکتر مصباح
۱۷۸- خطوط لبه‌های جذبی (اشعه‌ایکس)	« « زندی
۱۷۹- تاریخ مصر (جلددوم)	« احمد بهمنش
۱۸۰- سیر فرهنك در ایران و مغرب زمین	« دکتر صدیق‌اعلم
۱۸۱- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلدسوم-قسمت‌دوم)	« محمدتقی دانش‌پژوه
۱۸۲- اصول فن کتابداری	« دکتر محسن صبا
۱۸۳- رادیو الکتریسیته	« « رحیمی
۱۸۴- پیوره	« « محمود سیاسی
۱۸۵- چهار رساله	« محمد سنگلجی
۱۸۶- آسیب‌شناسی (جلددوم)	« دکتر آرمین
۱۸۷- یادداشتهای مرحوم قزوینی	فراهم‌آورده آقای ایرج افشار
۱۸۸- استخوان شناسی مقایسه‌ای (جلددوم)	تألیف دکتر میربابائی
۱۸۹- جغرافیای عمومی (جلداول)	« « مستوفی
۱۹۰- بیماریهای واگیر (جلداول)	« « غلامعلی بینش‌ور
۱۹۱- بتن فولادی (جلد اول)	« مهندس خلیلی

۱۹۲– حساب جامع وفاضل	نگارش دکتر مجتهدی
۱۹۳– ترجمهٔ مبدء ومعاد	ترجمه آقای محمود شهابی
۱۹۴– تاریخ ادبیات روسی	تألیف « سعید نفیسی
۱۹۵– تاریخ تمدن ایران ساسانی (جلددوم)	« « « «
۱۹۶– درمان تراخم با الکتروکوآگولاسیون	« دکتر پرفسور شمس
۱۹۷– شیمی وفیزیك (جلداول)	« « توسلی
۱۹۸– فیزیولوژی عمومی	« « شیبانی
۱۹۹– داروسازی جالینوسی	« « مقدم
۲۰۰– علم العلامات نشانه‌شناسی (جلد دوم)	« « میمندی نژاد
۲۰۱– استخوان شناسی (جلد اول)	« « نعمت‌اله کیهانی
۲۰۲– پیوره (جلد دوم)	« « محمود سیاسی
۲۰۳– علم النفس ابن‌سینا وتطبیق آن با روانشناسی جدید	« « علی‌اکبر سیاسی
۲۰۴– قواعدفقه	« آقای محمود شهابی
۲۰۵– تاریخ سیاسی ودیپلوماسی ایران	« دکتر علی‌اکبر بینا
۲۰۶– فهرست مصنفات ابن‌سینا	« « مهدوی
۲۰۷– مخارج الحروف	تصحیح وترجمهٔ دکتر پرویز ناتل خانلری
۲۰۸– عیون الحکمه	ازابن‌سینا ــ چاپ عکسی
۲۰۹– شیمی بیولوژی	تألیف دکتر مافی
۲۱۰– میکربشناسی (جلد دوم)	« آقایان دکتر سهراب ــ دکتر میردامادی
۲۱۱– حشرات زیان‌آور ایران	« مهندس عباس دواچی
۲۱۲– هواشناسی	« دکتر محمد منجمی
۲۱۳– حقوق مدنی	« « سیدحسن امامی
۲۱۴– ماخذقصص وتمثیلات مثنوی	نگارش آقای فروزانفر
۲۱۵– مکانیك استدلالی	« پرفسور فاطمی
۲۱۶– ترمودینامیك (جلد دوم)	« مهندس بازرگان
۲۱۷– گروه بندی وانتقال خون	« دکتریحیی پویا
۲۱۸– فیزیك، ترمودینامیك (جلداول)	« « روشن
۲۱۹– روان پزشکی (جلدسوم)	« « میرسپاسی
۲۲۰– بیماریهای درونی (جلداول)	« « میمندی نژاد
۲۲۱– حالات عصبانی یا نورز	ترجمه « چهرازی
۲۲۲– کالبدشناسی توصیفی (۷) (دستگاه گوارش)	تألیف دکتر امیراعلم ــ دکتر حکیم دکتر کیهانی ــ دکتر نجم‌آبادی ــ دکتر نیك نفس
۲۲۳– علم الاجتماع	تألیف دکتر مهدوی
۲۲۴– الهیات	« فاضل تونی
۲۲۵– هیدرولیك عمومی	« مهندس ریاضی
۲۲۶– شیمی عمومی معدنی فلزات (جلداول)	تألیف دکتر فضل‌الله شیروانی
۲۲۷– آسیب‌شناسی آزردگیهای سورنال « غده فوق کلیوی »	« « آرمین
۲۲۸– اصول الصرف	« علی‌اکبر شهابی
۲۲۹– سازمان فرهنگی ایران	تألیف دکتر علی کنی

۲۳۰- فیزیك، ترمودینامیك (جلد دوم)	نگارش دکتر روشن
۲۳۱- راهنمای دانشگاه	—
۲۳۲- مجموعهٔ اصطلاحات علمی	—
۲۳۳- بهداشت غذائی (بهداشت نسل)	نگارش دکتر فضل‌الله صدیق
۲۳۴- جغرافیای کشاورزی ایران	« دکتر تقی بهرامی
۲۳۵- ترجمه‌النهایه باتصحیح ومقدمه (۱)	« آقای سیدمحمد سبزواری
۲۳۶- احتمالات و آمار ریاضی (۲)	« دکتر مهدوی اردبیلی
۲۳۷- اصول تشریح چوب	« مهندس رضا حجازی
۲۳۸- خون‌شناسی عملی (جلداول)	« دکتر رحمتیان دکتر شمسا
۲۳۹- تاریخ ملل قدیم آسیای غربی	« « بهمنش
۲۴۰- شیمی تجزیه	« « شیروانی
۲۴۱- دانشگاهها و مدارس عالی امریکا	« «ضیاءالدین اسمعیل بیگی
۲۴۲- پانزده گفتار	« آقای مجتبی مینوی
۲۴۳- بیماریهای خون (جلد دوم)	« دکتر یحیی پویا
۲۴۴- اقتصاد کشاورزی	« « احمد هومن
۲۴۵- علم‌العلامات (جلدسوم)	« « میمندی نژاد
۲۴۶- بتن آرمه (۲)	« آقای مهندس خلیلی
۲۴۷- هندسهٔ دیفرانسیل	« دکتر بهفروز
۲۴۸- فیزیولژی گل ورده بندی تك لپه‌ایها	« « زاهدی
۲۴۹- تاریخ زندیه	« « هادی هدایتی
۲۵۰- ترجمه‌النهایه باتصحیح ومقدمه (۲)	« آقای سبزواری
۲۵۱- حقوق مدنی (۲)	نگارش دکتر امامی
۲۵۲- دفتر دانش وادب (جزء دوم)	—
۲۵۳- یادداشتهای قزوینی (جلد دوم ب، ت، ث، ج)	« ایرج افشار
۲۵۴- تفوق وبرتری اسپانیا	« دکتر خانبابا بیانی
۲۵۵- تیره شناسی (جلد اول)	« « احمد پارسا
۲۵۶- کالبد شناسی توصیفی (۸) دستگاه ادرار وتناسل - پردهٔ صفاق	تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی دکتر نجم آبادی - دکتر نیك نفس
۲۵۷- حل مسائل هندسه تحلیلی	نگارش دکتر علینقی وحدتی
۲۵۸- کالبد شناسی توصیفی (حیوانات اهلی مفصل‌شناسی مقایسه‌ای)	« « میر بابائی
۲۵۹- اصول ساختمان ومحاسبه ماشینهای برق	« مهندس احمد رضوی
۲۶۰- بیماریهای خون ولنف (بررسی بالینی وآسیب شناسی)	« دکتر رحمتیان
۲۶۱- سرطان‌شناسی (جلد اول)	« « آرمین
۲۶۲- شکسته بندی (جلد سوم)	« « امیرکیا
۲۶۳- بیماریهای واگیر (جلددوم)	« « بینش‌ور
۲۶۴- انگل‌شناسی (بندپائیان)	« « عزیز رفیعی
۲۶۵- بیماریهای درونی (جلددوم)	« « میمندی نژاد
۲۶۶- دامپروری عمومی (جلداول)	« « بهرامی
۲۶۷- فیزیولوژی (جلددوم)	« « علی کاتوزیان
۲۶۸- شعر فارسی (درعهدشاهرخ)	« « یارشاطر

۲٦۹- فن انگشت نگاری (جلداول و دوم)	نگارش ناصرقلی رادسر
۲۷۰- منطق التلویحات	« دکتر فیاض
۲۷۱- حقوق جنائی	« « عبدالحسین علی
۲۷۲- سمیولوژی اعصاب	« « چهرازی
۲۷۳- کالبد شناسی توصیفی (۹) (دستگاه تولید صوت وتنفس)	تألیف دکتر امیر اعلم ـ دکتر حکیم ـ دکتر کیم دکتر نجم آبادی ـ دکتر نیك نفس
۲۷٤- اصول آمار و کلیات آمار اقتصادی	نگارش دکتر محسن صبا
۲۷۵- گزارش کنفرانس اتمی ژنو	« « جناب ـ دکتر بازا
۲۷٦- امکان آلوده کردن آبهای مشروب	نگارش دکتر حسین سهراب ـ دکتر میمندی
۲۷۷- مدخل منطق صورت	نگارش دکتر غلامحسین مصاحب
۲۷۸- ویروسها	« « فرج‌الله شفا
۲۷۹- تالفیت‌ها (آلکها)	« « عزت‌الله خبیری
۲۸۰- گیاه‌شناسی سیستماتیك	« « محمد درویش
۲۸۱- تیره‌شناسی (جلددوم)	« « پارسا
۲۸۲- احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی	« مدرس رضوی
۲۸۳- احادیث مثنوی	« آقای فروزانفر
۲۸٤- قواعد النحو	« قاسم تویسرکانی
۲۸۵- آزمایشهای فیزیك	« دکتر محمدباقر محمودیان
۲۸٦- پندنامه اهوازی یا آئین پزشکی	« « محمود نجم آبادی
۲۸۷- بیماریهای خون (جلدسوم)	« « یحیی پویا
۲۸۸- جنین شناسی (رویان‌شناسی) جلد اول	« « احمد شفائی
۲۸۹- مکانیك فیزیك (اندازه گیری مکانیك نقطه مادی وفرضیه نسبی) (چاپ‌دوم)	« « کمال‌الدین جناب
۲۹۰- بیماریهای جراحی قفسه سینه (ریه، مری، قفسه سینه)	« « محمدتقی قوامیان
۲۹۱- اکوستیك (صوت) چاپ دوم	« « ضیاءالدین اسماعیل بیگی
۲۹۲- چهار مقاله	بتصحیح « محمد معین
۲۹۳- داریوش یکم (پادشاه پارسها)	نگارش « منشی زاده
۲۹٤- کالبدشکافی تشریح عملی سر و گردن ـ سلسلهٔ اعصاب مرکزی	« « نعمت‌الله کیهانی
۲۹۵ ـ درس اللغة والادب (۱) چاپ‌دوم	« « محمد محمدی